



۲۰۲۲/۰۳/۳۰



فضل الرحمن فاضل

پیامبر اکرم ﷺ در نوروز وارد مدینه شده است یا در مهرگان و یا در هیچکدام؟

در وبسایت « اهل سنت و جماعت » که به نام "وبسایت اختصاصی اهل سنت و جماعت ایران زمین" نیز مشهور است، مقالتی تحت عنوان « شب یلدا » که نویسنده آن معلوم نیست یا شاید خطبه یکی از امامان مساجد باشد ؛ به نشر رسیده است. مقاله یادشده دیدگاه مشخص آن وبسایت را در مورد باورهای مردم بازتاب داده و حکم تحریم روزهای خوشی و شادی شمار زیادی از مردم را با پیوند زدن آن روزها با اعیاد مذهبی، صادر کرده است و در همین جمله، جشن طبیعت و هدیه الهی یعنی نوروز را نیز حرام دانسته است. آن مقاله چنین آغاز می‌گردد:

« برگزاری مراسم شب یلدا یا چهارشنبه سوری یا نوروز یا سیزده بدر و امثال آنها حرام و گناه هست و شرکت در آنها جایز هم نیست و نبایستی دعوت دیگران را اجابت کرد در این مورد»
بعد از طرح مسأله ، با صراحت چنین می‌نویسد:

« دقت کنید من اینجا کلاً بهانه‌ها رو می‌گیرم و می‌گم به هر بهانه‌ای که باشد فرقی نمی‌کند حرام، حرام است و الی الابد تحت هیچ شرایطی و با هیچ نیتی بر مسلمانان مباح نخواهد شد.

و این حرف رو شاید برخی فکر بکنند که من در آوردم یا تعصبی باشد بهمین دلیل به احادیث پیامبر رجوع می‌کنیم که دلیل محکمی بر ادعاهایم باشند.

پیامبر (ﷺ) هنگامی که در مدینه تشریف داشتند جشن نوروز را که اعراب به تقلید ایرانیان گرامی می‌داشتند نفی فرمودند.
انس بن مالک می‌گوید:

«قدم رسول الله (ﷺ) المدینه ولهم یومان یلعبون فیهما فقال ما هذان الیومان قالوا کنا نلعب فیهما فی الجاهلیه فقال رسول الله (ﷺ) ان الله قد ابدلکم بهماخیرا منهما یوم الاضحی و یوم الفطر.»
(ابوداود)

یعنی: (رسول خدا (ﷺ) پس از هجرت از مکه به مدینه تشریف آوردند و اهالی مدینه دارای دو روز بودند، روز نوروز و مهرگان یکی دیگر از اعیاد مجوسیان که در آن دو به بازی پرداخته و شادی می‌کردند.

پیامبر (ﷺ) فرمود: این دو روز چیست؟ عرض کردند ما در زمان جاهلیت در این دو روز به بازی و شادی میپرداختیم رسول خدا (ﷺ) فرمود: خداوند دو روز دیگر را به جای آن دو، برایتان قرار داده است که خیر و نیکی دنیا و آخرت در آن دو قرار دارد روز عید قربان و روز عید فطر^۱.

نویسنده یا گوینده با ضرس قاطع ادعا می‌کند که پیامبر وقتی که به مدینه تشریف آوردند، و اهالی مدینه در نوروز و مهرگان بازی و شادی می‌کردند، بناءً در عوض «عید فطر» و «عید قربان» را جانشین آن دو روز کرد.

در اینجا برای این‌که بدانیم پیامبر اکرم ﷺ آیا وقتی که به «پترب» - که بعدها به خاطر تشریف آوری پیامبر، «مدینه» نامیده شد - آمد، آیا ورودش مصادف به نوروز بود و یا مهرگان؟

اگرچه از سیاق حدیث معلوم می‌شود که باید دو روز پی در پی باشد، نه اینکه باهم فاصله شش ماهه داشته باشند؛ با وجود آن با مراجعه به سیرت نبوی ﷺ که مصدر مهم و قابل اعتمادی در این مورد است و قبل از اینکه کتاب‌های بخاری، مسلم، ترمذی، موطا و مسند احمد و سایر کتاب‌های حدیث تدوین گردند، مسلمانان به تدوین سیرت پیامبر اکرم پرداختند که نگارش سیرت ابن اسحاق متوفای سال ۱۵۱ هجری قمری و سیرت ابن هشام متوفای سال ۲۱۳ هجری قمری، شاهی بر این مدعا است.

با مراجعه به سیرت پیامبر اکرم و روایاتی که مورد اتفاق است در می‌یابیم که:

مشرکان مکه در «دار الندوه» به ریاست ابوالحکم (ابوجهل) عمرو بن هشام مخزومی تصمیم به قتل پیامبر می‌گیرند و پیامبر که بقای خویش را بعد از ۱۳ دعوت سال در خطر می‌بیند و قبلاً هم نمایندگانی از پترب به نزد او آمده با او در «عقبه» بیعت کرده بودند، ترجیح می‌دهد که به خاطر ادامه دعوت رهسپار «پترب» گردد.

پیامبر همراه با ابوبکر شب جمعه ۲۷ صفر المظفر سال ۱۳ بعثت برابر با ۱۳ سپتمبر سال ۶۲۲ م موافق ۲۱ سنبله شهر مکه را ترک می‌گوید و به غار «ثور» پناه می‌برد. روز‌ها و شب‌های شنبه و یکشنبه یعنی ۲۸ و ۲۹ صفر را در غار ثور سپری می‌کند. این دو روز برابر است با ۱۴ و ۱۵ سپتمبر سال ۶۲۲ م و ۲۲ و ۲۳ سنبله.

روز دوشنبه اول ماه ربیع الاول که سال اول هجری قمری آغاز می‌گردد، رو به پترب می‌نهد؛ این تاریخ برابر است با ۱۶ سپتمبر ۶۲۲ م و ۲۴ سنبله سال اول هجری خورشیدی.

روز هشتم سفر با طی کردن مسافت تقریباً ۳۸۰ کیلومتر یا روز دوشنبه هشتم ربیع الأول سال نخست هجری قمری، سال ۱۴ بعثت، برابر با ۲۳ سپتمبر ۶۲۲ م موافق با ۳۱ سنبله سال اول هجری شمسی، پیامبر اکرم ﷺ وارد قبا شد. و در آنجا به اعمار نخستین مسجد پرداخت. راجع به مدت ایام اقامت پیامبر در «قبا» روایات گوناگون آمده است. امام بخاری در کتابش «التاریخ الکبیر» مدت آن را ۱۴ روز و برخی بیش از ده روز و در برخی منابع شیعی از جمله در «بحار الأنوار» علامه مجلسی ۱۵ روز، ذکر شده؛ اما بیشترین روایات ۴ یا پنج روز را تسجیل کرده و نوشته‌اند که فرستاده خدا ﷺ روز جمعه ۱۲ ربیع الأول سال اول هجری قمری، ۲۷ سپتمبر ۶۲۲ م ۴ میزان سال اول هجری شمسی وارد پترب شد که با ورود پیامبر به اسم مدینه النبی یا «شهر پیامبر» تغییر نام داد.

^۱ (<https://ahlesonnat.com/%D8%B4%D8%A8-%DB%AC%D9%A4%D8%AF%D8%AV>)

به خاطر مراعات امانت، اشتباهات املائی نویسنده، اصلاح نشده است.

بناءً این رویداد به وضوح ثابت می‌کند حینی که پیامبر ﷺ به مدینه منوره آمدند، نه نوروز بود و نه هم مهرگان.

راویان نخستین حدیث بالا در هیچ کتاب حدیث، از تبدیل شدن آن دو روز به «نوروز» و «مهرگان» اشارت نکرده اند؛ به گونه ای که آقای نویسنده یا گوینده مقاله «شب یلدا» با ضرس قاطع در ترجمه حدیث «نوروز و مهرگان» را افزوده است. در حدیث انس بن مالک دو روز عید فطر و عید اضحی یاد شده است، اما عوض کدام روزها؟ نه پیامبر اکرم ﷺ تصریح کرده اند و نه راویان نخستین و نه هم کتاب‌های حدیث.

ما می‌دانیم که عید فطر بعد از ماه رمضان است و عید اضحی هم بعد از ادای مراسم حج یا دهم ذو الحجه. ما با شگفتی اندر می‌شویم وقتی که بدانیم روزه ماه مبارک رمضان ۱۸ ماه بعد از ورود پیامبر ﷺ به مدینه منوره فرض شده است، یعنی مسلمانان در این ۱۸ ماه نه عید فطر داشتند و نه عید اضحی تا جانشین نوروز و مهرگان شده باشد. برای شرح بیشتر باز هم به تاریخ این روایتگر راستین مراجعه می‌کنم.

قبلاً دانستیم که ورود پیامبر اکرم به مدینه نه با «نوروز» یعنی اول حمل مصادف بود و نه با «مهرگان» اول میزان، تا حضرت انس بن مالک - رضی الله عنه - کودک ده ساله در آن وقت، آن را شنیده باشد. بعد از سپری شدن پنج ماه و بیست و چند روز از ورود پیامبر اکرم، به مدینه منوره، موسم نوروز فرا می‌رسد؛ یعنی اول حمل سال دوم هجری خورشیدی برابر با ۲۲ مارچ ۶۲۳ م و یازدهم رمضان سال اول هجری قمری. ماه رمضان در مدینه منوره، فرارسیده است، اما مسلمانان هنوز روزه نمی‌گیرند؛ زیرا روزه بالای شان فرض نشده است و در صورتی که روزه نگیرند عید فطری هم ندارند تا آن عید فطر شان با «نوروز» برابر شود. بناءً نوروز در سال دوم هجری خورشیدی با عید تصادف نکرده است.

شش ماه دیگر انتظار می‌کشیم؛ جشن دیگر طبیعت یا اعتدال خرفی «مهرگان» فرا می‌رسد، یعنی چهارشنبه اول میزان سال دوم هجری خورشیدی، برابر با ۲۴ سپتمبر ۶۲۳ م و ۲۰ ربیع الأول سال دوم هجری قمری. هنوز هم در آن تاریخ، روزه فرض نشده است، بناءً عیدی هم نیست تا پیامبر گرامی ﷺ آن عید را جانشین «مهرگان» کند. شش ماه دیگر صبر می‌کنیم تا نوروز سال سوم هجری خورشیدی فرا برسد؛ یعنی اول حمل سال سوم هجری شمسی، ۲۱ مارچ ۶۲۴ م. این روز مصادف است با ۱۲ رمضان سال دوم هجری قمری. مسلمانان هنوز ۱۷ یا ۱۸ روز با عید فطر فاصله دارند و نوروز هم با عید همزمان نشده است. بلکه مؤمنان در ماه قبلی؛ یعنی در شعبان سال دوم هجری با فرمان «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» البقرة: ۱۸۳، وظیفه یافتند تا روزه بگیرند و این روزه نیز بعد از ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره صورت گرفته است که عیدی هم در قبال دارد حتی روایتی هم وجود دارد که مسلمانان نسبت مصروفیت‌های پیامدهای غزوه «بدر» نتوانستند نماز عید را ادا کنند.

از شرح بالا ادعای نویسنده یا گوینده که پیامبر وقتی به مدینه آمد مردم نوروز و مهرگان را عید می‌گرفتند خوشی و شادی و بازی می‌کردند و پیامبر ایشان را از آن نهی کرد و دو روز عید فطر و عید قربان را جانشین نوروز و مهرگان ساخت، با ارائه تاریخ و سنوات بالا قابل تطبیق نیست و حتی فهمیده شد که در وقت ورود پیامبر برگزیده خدا ﷺ حتی بالای مسلمانان روزه و حج هم فرض نبود چه جایی که پیامد آن عید فطر و عید اضحی باشد.

حالا وقت آن رسیده است تا در مورد حدیث انس بن مالک بحث کنیم:

انس بن مالک که پدرش را قبلاً از دست داده است، مادرش ام سلیم بنت ملحان او را به پیامبر به حیث خادم می‌سپارد. در وقت هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره، انس کودک ده ساله است. و بسیار بعید می‌نماید که صدها تن از صحابیان بزرگ و با درک بیشتر در آن رویداد استثنایی، از پیامبر این حرف مهم را در مورد دو روزی که از آن در کتاب‌های مهم حدیث نام برده نشده است، چیزی نگفته باشند و تنها راوی یک تن از یاران پیامبر باشد که در آن وقت کودک ده ساله بوده است و از او هم در طول سال‌هایی که در مدینه بوده، کسی این حدیث را روایت نکرده باشد؛ اما بعد ها کسی به نام «حمید الطویل» پسر ابو حمید در سرزمین عراق، آن حدیث را روایت کرده باشد و از ابو حمید دیگران روایت

کنند و این حدیث در کتاب‌های «سنن ابوداود» و «مسند امام احمد» و چند کتاب دیگر جا باز کند؛ اما در بخاری و مسلم و کتاب‌های سیرت ابن هشام و ابن إسحاق، از آن یاد نشده باشد.

در مورد حضرت انس بن مالک می‌دانیم که یکی از اصحاب معمر پیامبر اکرم ﷺ است که بعد از ۱۰۳ سال زندگی در عراق پرورد زندگی می‌گوید؛ یعنی در سال ۹۳ هجری قمری وفات می‌کند و این کسی که از او روایت کرده است به نام «حُمید الطویل» مشهور است و سخن دقیق در مورد زندگینامه او، گفته پسرش است یعنی ابراهیم بن حُمید که گفته است: مات أبا سنة ثلاث وأربعين ومئة و قد أنت عليه خمس و سبعون سنة» «کتاب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال» جلد ۷ ص ۳۶۵.

یعنی پدرم در سال ۱۴۳ هجری قمری وفات یافت^۲ و ۷۵ سال عمر کرده بود. حُمید الطویل در سال ۶۸ هجری قمری تولد شده و در سال ۱۴۳ هجری قمری یعنی در ۷۵ سالگی وفات کرده است. بناء وقتی حمید الطویل تولد می‌شود، انس بن مالک ۷۸ سال عمر دارد. و اگر نزدیک ترین سالی را که حمید الطویل از انس بن مالک شنیده باشد ۱۸ سالگی او را بدانیم، انس بن مالک در آن وقت ۹۶ سال عمر دارد. وما می‌دانیم که انس بن مالک با همه بزرگوار و این‌که ده سال در خدمت پیامبر اکرم ﷺ بوده است، اما در این عمر ۹۶ سالگی دشوار است رویدادهایی که از آن بیش از نود سال سپری شده، آن را حکایت کرده باشد. باز اگر این را هم بیفزاییم که حمید الطویل را مصنفان کتاب‌های جرح و تعدیل «شخص فراموش کار» خوانده اند و حتی برخی از جمله امام ارجمند ابن حجر عسقلانی او را «مُدَّلس» خوانده است و برخی دیگر حتی گفته اند که او از انس بیش از ۲۴ حدیث شنیده است، بلکه شماری احادیثی را که او از انس بن مالک شنیده، پنج حدیث می‌دانند، اما احادیثی را از قتاده و ثابت الهنایی شنیده و آن احادیث را به نام این‌که از انس بن مالک شنیده ام، به کسان دیگر روایت کرده است.

اینجانب که همین حدیث مشخص را در کتاب‌های ابوداود و مسند امام احمد، منتخب مسند عبد بن حمید، سنن نسائی، مسند أبو یعلی، شرح مشکل الآثار امام طحاوی، مستدرک حاکم نیشاپوری، سنن بیهقی و شرح السنة امام بغوی با دقت مطالعه کردم، دریافتم که حمید الطویل در روایات خود با وجود کوتاهی متن، آن را به گونه‌های مختلف روایت کرده است.

این بحث تقاضا می‌کند تا به ضرس قاطع بگویم که محدثان بزرگ مثل أبو داود سلیمان بن اشعث سجستانی که این حدیث را در کتاب خویش در شماره ۱۱۳۴ درج کرده است، هرگز آن دو روز را نوروز و مهرگان نگفته و نه هم امام احمد آن را چنین شرح داده است، به همین گونه نسائی در سنن خود، امام طحاوی در شرح مشکل الآثار، حاکم نیشاپوری در «المستدرک علی الصحیحین» و امام بغوی در «شرح السنة» و امام بیهقی هم در «السنن الکبری»

حتی در جمله علمای متأخر و مشهور مثل ولی الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله خطیب تیریزی متوفای سال ۷۴۱ هجری قمری که کتاب مشهور مشکات المصابیح را گرد آوری و آن را در سال ۷۳۷ هجری قمری تکمیل کرده است، این

^۲ (تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، اثر جمال الدین ابوالحجاج یوسف المزی (۶۵۴-۷۴۲ ق) جلد هفتم، شماره ۱۵۲۵ ص ۳۵۵ ناشر: موسسه الرساله، چاپ دوم، بیروت ۱۹۸۵ م)

^۳ حرف‌های جالب دیگر در مورد حمید الطویل این است که اگرچه طویل بلند قامت معنی می‌دهد، اما او بلند قامت نبود، بلکه در همسایگی اش شخص کوتاه قدی به نام «حمید القصیر» زندگی می‌کرد، بناء او را به نام حمید الطویل یاد کرده اند، اما دستاوردش دراز بودند. و نکته جالب دیگر این‌که در حال اقامه نماز و ایستاده وفات کرده است. در مورد نام پدرش روایات گوناگونی آمده است، اما دقیق این است که در سال ۴۴ هجری قمری در کابل اسیر شده است و نام مشهورش مهران بوده و او را به نام‌های دیگری چون تیر، تیرویبه، زادویه، داور، طرخان، مهران، عبدالرحمن و مخلص نیز یاد کرده اند. برای شرح بیشتر کتاب «تهذیب التهذیب» از ابن حجر عسقلانی جزء سوم صفحات ۳۸، ۳۹ و ۴۰ دیده شود.

حدیث را در کتاب خود درج می‌کند، اما از این‌که این دو روز مهرگان و نوروز باشد، اشارتی ندارد. بلکه شمار اندک از شارحان، سده‌ها بعد آن را، آن‌هم به لفظ «قبیل» یعنی گفته شده که این دو روز، نوروز و مهرگان است، شرح داده اند که از جمله شرف الحق محمد اشرف بن امیر عظیم آبادی متوفای سال ۱۳۲۹ هجری قمری در شرحی که بر سنن ابوداود به نام «عون المعبود علی سنن ابی داود» نوشته در جلد اول کتابش در ص ۵۴۳ می‌نویسد:

قَدِمَ رسول الله -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- الْمَدِينَةَ، (أَي مِنْ مَكَّةَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ (وَلَهُمْ) أَي لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ (يَوْمَانَ) وَهَذَا يَوْمَ النَّبِيِّزِ وَ يَوْمَ الْمَهْرَجَانِ، كَذَا قَالَ الشَّرَاحُ.

یعنی فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم به مدینه آمدند یعنی از مکه بعد از هجرت و برای آنان یعنی برای اهل مدینه دو روز بود که آن روزها نوروز و مهرگان است، این چنین گفتند شارحان حدیث.

شرف الحق عظیم آبادی از نام‌های آن «شُرَاح» هم یادی نمی‌کند و آن دو روز را که به صیغه نکره (مقابل معرفه) ذکر شده، نوروز و مهرگان تعبیر می‌کند.

اما دانشمندان دقیق‌نگر و نکته‌سنجی هم بوده‌اند که به گونه‌ای غیر مستقیم به این ادعا تاخته‌اند.

امام صنعانی متوفای سال ۱۱۸۲ هـ ق در کتابش «سُئِلَ السَّلَامُ شَرْحَ بُلُوغِ الْمَرَامِ» بعد از درج حدیث می‌نگارد: «الحدیث یدل علی أنه قال صلی الله علیه وسلم ذلك عُقِيبَ قَدُومِهِ الْمَدِينَةَ كَمَا تَقْتَضِيهِ الْفَاءُ.»؛ سیاق حدیث دلالت دارد که فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم آن را در نخستین روزهای ورودش به مدینه گفته باشد و حرف «ف» در «فَقَالَ» نیز به این نزدیکی و پیوستگی دلالت دارد. اما صنعانی سپس از وجوب نماز عید در سال دوم هجری یاد می‌کند و آن حدیث را مطابق واقع نمی‌داند.

محدث بزرگ نیم‌قاره هند شخصیت نام‌آشنا در افغانستان و منطقه شیخ عبدالحق محدث دهلوی که شرحی به زبان فارسی بر کتاب مشکات المصابیح نوشته است. حدیث بالا را چنین ترجمه می‌کند:

«قدوم آورد آن حضرت مدینه را و هجرت کرد بسوی وی و حال آنکه مر اهل مدینه را دو روز بود که بازی می‌کردند در آن دو روز، معلوم نشد که آن کدام دو روز بود. بعضی گفته که این دو روز نوروز و مهرگان بود و استبعاد کرده شده است این قول، به آنکه نوروز و مهرگان از عادات فرس و خصائص ایشان است، والله أعلم.» ص ۲۹۸ جلد اول اشعة اللمعات چاپ سال ۱۲۷۷ هجری قمری، بمبئی هند.

همین محدث عبدالحق دهلوی (۹۵۸ - ۱۰۵۲ هـ ق) آنگاه که کتاب مشهورش به زبان عربی را تحت عنوان «لمعات التنقیح فی شرح مشکات المصابیح» می‌نگارد در شرح حدیث یادشده از نوروز و مهرگان یادی نمی‌کند، زیرا او بعید می‌داند که نوروز و مهرگان یا جشن اعتدال ربیعی و خریفی که در بلخ و اطراف خراسان آن زمان رواج داشته، در مدینه منوره نیز مورد توجه ساکنان آن باشد.

اما در حدیث دیگری از زبان پیامبر اکرم ﷺ صراحتاً از عیدی به نام «سیاسب» یادآوری شده است که خداوند آن را به روز عید دیگری به مسلمانان تبدیل کرده است.

امام مجدالدین أبو السعادت مبارک بن محمد الجزری مشهور به ابن اثیر (۵۴۴ - ۶۰۶ ق) در کتاب مشهورش «النهاية فی غریب الحدیث و الأثر» در جلد دوم ص ۳۳۴ می‌نگارد: أبْدَلَكُمْ اللهُ بِيَوْمِ السَّبَاسِبِ يَوْمَ الْعِيدِ. در شرح آن می‌آورد: يوم السباسب عيد للنصارى و يسْمونه السعائين.

٤ (سبل السلام شرح بلوغ المرام، حدیث ۴۶۶ ص ۲۱۵

وقتی که پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره هجرت کردند در پهلوی اوس و خزرج و سایر قبایل عربی، قبایل یهودی نیز زندگی می‌کردند و شماری از نصرانیان هم بودند و احتمال می‌رود که آن دو روزی که در حدیث انس بن مالک آمده، روزهای عید یهودیان و مسیحیان باشد که یکی از آن همین «یوم السباسب» است که تا همین اکنون در روزگار ما هم، مسیحیان آن را جشن می‌گیرند و خوشی و شادمانی می‌کنند. این روز مصادف به همان روزی است که در روایات تاریخی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام بر خلاف پادشاهان که بر اسب سوار می‌شدند بر الاغی به‌نام «یغفور» سوار بود که اهالی اورشلیم یا بیت المقدس او را با شاخه‌های درخت خرما، استقبال کردند.

این سنت تا کنون هم در میان مسیحیان خاورمیانه باقی است و «سباسب» شاخه درخت خرما را می‌گویند که اروپاییان از آن روز به نام Palm Sunday یکشنبه خرما تجلیل و بزرگداشت به عمل می‌آورند و به نام عید السعائین و عید الشعائین و عید نخل نیز در میان مسیحیان جهان عرب مشهور است و همان یکشنبه ای است که قبل از عید «فصح» یا عید «فصح» «Easter» می‌آید چون اساس آن ماه قمری است بناءً زمان آن میان ۲۲ مارچ تا ۲۵ اپریل (از ۲ حمل تا ۵ ثور) در تغییر می‌باشد و در برخی سال‌ها با عید پسخ یهودیان نیز هم‌زمان می‌گردد و آن اولین یکشنبه بعد از بدر شدن یا کامل شدن ماهی است که بعد از اعتدال بهاری باشد که بعد از آن عید پاک یا گود فرایندی می‌آید. و این مناسبت «Palm Sunday» در سال جاری ۲۰۲۲ م برابر است با ۱۰ اپریل ۲۰۲۲ م.

حدیث بالا یعنی «أبدلکم الله بیوم السباسب یوم العید» را همچنان ابوموسی محمد بن ابوبکر ابو عیسی اصفهانی متوفای سال ۵۸۱ هجری قمری، در کتابش «المجموع المغیث فی غریبی القرآن والحدیث» یعنی تقریباً پنج قرن قبل از ملا علی قاری هروی و هشت قرن قبل از شرف الحق عظیم آبادی درج کرده و علامه محمد باقر مجلسی هم در ص ۱۴۰ جلد ۱۸ کتاب حجیمش «بحار الأنوار» آن را آورده است و افزون بر آن مرتضای زبیدی (۱۷۳۲-۱۷۹۰ م) در فرهنگ با اعتبارش «تاج العروس» حین شرح واژه «سباسب» به گونه شاهد چنین آورده است که:

وفی الحدیث: «أبدلکم الله بیوم السباسب یوم العید» و قبل از وی ابن المنظور (۶۳۰-۷۱۱ هـ ق) نیز در صفحه ۱۹۲۱ کتابش «لسان العرب» آن را درج کرده است.

شاید به ذهن خواننده ارجمند خطور کند که وجود یهودیان در مدینه منوره مشهود و مشهور بود؛ اما از حضور نصاری یا مسیحیان در آن دیار کمتر شنیده شده است و علت آن هم این بود که مسیحیان در اقلیت بودند و با قبایل عربی ساکن در یثرب و بعدها با مسلمانان کدام دشمنی و یا جنگ و جدالی نداشتند، اما حضورشان ملموس بود که حسان بن ثابت شاعر صدر اسلام و شاعر پیامبر در مرثیه اش بعد از وفات رسول اکرم ﷺ گفته است:

ما بال عینی لا تنام کأنما

کحلت مآقیها بکحل الأرم

أ أقیم بعدک بالمدينة بینهم

یا لهف نفسی لیبتی لم أولد

بأبی و أمی من شهت و فاته

فی یوم الاثنین النبی المهدی

نوراً أضاء علی البرية کلها

من یهد للنور المبارک یهد

تا اینکه می‌گوید:

فرحت نصاری پثرب ویهودها

لما توارى فی الضریح المَلحد°

نتیجه:

خلاصه و نتیجه بحث این که آن دو روزی که در حدیث حضرت انس بن مالک تذکر رفته و در کتاب های مشهور حدیث درج گردیده است، محدثان بزرگ در قرون نخستین، هیچ گاه آن دو روز را به «نوروز» و «مهرگان» تفسیر نکرده اند و حدیث دیگری با صراحت از تبدیل «یوم السیاسب» به روز عید یادآور می شود که این صراحت در نوروز و مهرگان نیست. قرن ها بعد برخی شارحان حدیث، آن را به نوروز و مهرگان که هر دو عید مذهبی نیست، بلکه جشن فطرت و طبیعت است، تعمیم داده اند. و با در نظر داشت تاریخ ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره نیز دریافتیم که ورود جناب شان نه مقارن «نوروز» بود و نه هم «مهرگان» و حتی در هژده ماه نخست ورود پیامبر گرامی به مدینه منوره، روزه هم بر مؤمنان، فرض نشده بود تا پیامد آن عیدی باشد.

البته در این بحث راجع به متن و سند حدیث و تفاوت های متن در کتاب های متعدد حدیث، پرداخته نشده است که برای جلوگیری از اطاله کلام، آن را به فرصت دیگر باید موکول کرد.

شماری از منابع:

۱- نشانی سایت: اهل سنت و جماعت

<https://ahlesonnat.com/%D%A%B%D%A-%DB%AC%D%9%A%D%AF%D%A%AV>

۲- گزیده اشعار حسان بن ثابت با ترجمه و شرح به زبان اردو

[https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20\(%20S.A.W.W%20\).pdf](https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20(%20S.A.W.W%20).pdf)

۳- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی معروف به ابن الجزری جلد دوم ص

۳۳۴، ناشر: المكتبة الإسلامية، ۱۹۶۳م

۴- أشعة اللمعات شرح مشکاة المصابیح، ص ۲۹۸ جلد اول، چاپ سنگی، کارخانه (مطبعه) محمدی، ۱۲۷۷ هجری

قمری، بمبئی - هند

۵- تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال، اثر جمال الدین ابوالحجاج یوسف المزی (۶۵۴-۷۴۲ ق) جلد هفتم، شماره

۱۵۲۵ ص ۳۵۵ ناشر: مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، بیروت ۱۹۸۵م

۶- سبل السلام شرح بلوغ المرام، حدیث ۴۶۶ ص ۲۱۵، ناشر: مكتبة المعارف للنشر و التوزیع، ریاض، ۲۰۰۶م

° (گزیده اشعار حسان بن ثابت با ترجمه و شرح به زبان اردو

[https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20\(%20S.A.W.W%20\).pdf](https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20(%20S.A.W.W%20).pdf)

- ٧- «تهذيب التهذيب» از ابن حجر عسقلاني، جزء سوم صفحات ٣٩، ٣٨ و ٤٠، دارالكتاب الاسلامي، القاهرة (بي تا)
- ٨- السيرة النبوية لابن اسحاق، دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، ٢٠٠٤م
- ٩- السيرة النبوية لابن هشام، دارالكتب العربي، بيروت، لبنان، ١٩٩٠م
- ١٠- سنن أبي داود، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، الجزء الثاني، دارالرسالة العلمية، ٢٠٠٩م
- ١١- التاريخ الكبير، شيخ السلام ابو عبدالله اسماعيل بن ابراهيم البخاري، ناشر: دائرة المعارف العثمانية، چاپ آفسييت دارالكتب العلمية، بيروت لبنان، ١٩٨٦م
- ١٢- لمعات التنقيح في شرح مشكاة المصابيح، محدث عبدالحق الدهلوي، ج ٣، ناشر: دارالنور، دمشق ٢٠١٤م
- ١٣- بحار الأنوار الجامعة لدرر الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسي، جزء ١٨، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، لبنان (بي تا)
- ١٤- عون المعبود على سنن أبي داود، از ابو عبدالرحمن شرف الحق الشهير بمحمد اشرف بن امير العظيم آبادي، ناشر بيت الأفكار الدولية، كتاب الصلاة ص ٥٤٣، (بي تا)
- ١٥- الرحيق المختوم، صفى الرحمن المباركفوري، ناشر: دارالوفاء، چاپ ٢١، جمهورية مصر العربية، ٢٠١٠م

